

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: جهانگیر محبی

برگردان از: نسترن احمدی

۲۷ جولای ۲۰۱۲

چرا "مارکس" بازخوانی می شود؟

مطلبی که پیش روی شماست ترجمه‌ای است از دو مطلب که در روزنامه گاردین و سایت بی‌بی‌سی منتشر شده است. آنچه می‌خوانید در مورد اقبال مردم اروپا و خاصه آلمان است نسبت به کتب مارکس. البته با این توضیح که منظور از اقبال عمومی، افزایش فروش از ۲۰۰ جلد به هزار و پانصد جلد است.

پس از سقوط دژ بزرگ اقتصاد سوسیالیستی*، یعنی اتحاد شوروی، تقریباً باوری عمومی شده بود که استقرار و تثبیت سرمایه‌داری لیبرال، یک واقعیت عینی است.

سرمایه‌داری جهانی بحران‌های متمادی گوناگونی را از سر گذرانده بود. اما اینک شش سال پس از آخرین بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۱، جهان سرمایه‌داری به معنای وسیع‌تر وارد یک بحران اقتصادی شده که با سرعت بی‌سابقه و چشمگیری، هویت جهانی یافته است.

بیش از یک قرن پس از مرگ مارکس و قریب به دو دهه پس از سقوط اتحاد شوروی، بار دیگر بسیاری پرسش‌ها به مارکس باز می‌گردد.

بحران مالی که جهان را بلعیده تأثیرات منفی و گهگاه جبران‌ناپذیری بر زندگی و حتی اندیشه مردم در سراسر جهان داشته است. همزمان با تشدید بحران اقتصادی در سراسر جهان به ویژه اروپا، کتابخوان‌های آلمانی به کتاب‌های کارل مارکس روی آورده‌اند.

به نظر ناشران و کتابفروشان آلمانی، کارل مارکس بار دیگر بازگشته است. آثار مارکس این روزها به سرعت و در ابعاد بی‌سابقه‌ای به فروش می‌رسد. دلیل اصلی علاقه به آثار کارل مارکس، بحران اقتصادی اخیر در جهان و آلمان اعلام شده است.

کارل دیتز ناشر آلمانی اعلام کرده کتاب‌های مارکس که در سال شاید حتی ۲۰۰ کپی هم فروش نداشت، در سال جاری هزار و پانصد جلد فروش داشته است. یورن شوترومپف مدیر بنگاه انتشاراتی «کارل – دیتز»، ناشر آثار

کارل مارکس در برلین، می‌گوید: «مارکس دوباره بازگشته است و ما شاهد علاقه بی‌سابقه‌ای به آثار او هستیم و انتظار می‌رود که فروش کتاب‌های او در ماه‌های آینده رو به افزایش باشد.»

به گفته ناشران، پرفروش‌ترین اثر کارل مارکس، جلد اول کتاب او به نام «سرمایه» است. این کتاب که در سال ۱۸۶۷ نوشته شده در سال‌های پیش به سختی میزان فروشی دو رقیمی را تجربه می‌کرد، اما حالا با پیش آمدن این بحران اقتصادی روزهای خوشی را سر می‌کند.

به گفته یورن شوترومپف، بخش اعظم خریداران آثار مارکس، نسل جوان دانش‌پژوهان و پژوهشگرانی هستند که اخیراً دریافته‌اند و عده‌های نئولیبرالیسم (لیبرالیسم نو) برای به ارمغان آوردن خوشبختی برای بشریت، حقیقت ندارد فلسفه اقتصادی مارکس، به ویژه نسخه لنینیستی روسی آن، با سقوط اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ محبوبیت خود را از دست داد

به باور شوترومپف، مارکس در آستانه این بحران دوباره در اندیشه‌های مردم جا پیدا کرده است. او می‌گوید: «بحران‌های مالی برای مارکس خوش‌قدم بودند.» شوترومپف می‌گوید خریداران این کتاب را بیشتر جوانان تشکیل می‌دهند و این امر خود حاکی از آن است که نسل جوان آلمان از مسیری که پدران و مادرانشان در این کشور پیش گرفتند، ناراضی‌اند

اقتصاد و سیر نزولی آن پرسش‌های بسیار زیادی را در ذهن نسل جوان و تحصیل‌کرده ایجاد کرده که کسی پاسخی برایشان ندارد. اینک آنان نیز پاسخ پرسش‌هایشان را در کتاب‌های مارکس جست‌وجو می‌کنند

آیا این همان مرحله زوال سرمایه‌داری نیست که او پیش‌بینی کرده است؟ این سؤالی است که در رسانه‌های شرق و غرب عالم طنین افکنده و ذهن عوام را نیز به خود مشغول ساخته است

این ناشر آلمانی می‌گوید: «با این حال من شک دارم که خریداران این کتاب آن را تا پایان بخوانند. خواندن این کتاب طاقت‌فرسا است و احتیاج به تمرکز بسیار دارد.»

کتابفروشی‌ها در سراسر آلمان، افزایش فروش آثار کارل مارکس را تأیید می‌کنند و می‌گویند فروش کتاب‌های وی حداقل سه برابر شده است. این افزایش ناگهانی در فروش کتاب‌های مارکس تنها سود مالی را در پی ندارد. این پیشامد برای تئوری‌پردازان و فیلسوف‌های مارکسیست این زمینه را فراهم آورده که در مهلت پیش‌آمده حرف‌های خود را دوباره بزنند.

برای مثال اریک هوبسباون، مؤرخ و تاریخدان، در برنامه زنده رادیو بی‌بی‌سی میدان را خالی دید و نظرات خود را که پیش از این کمتر خریدار داشت، بیان کرد. به نظر او جهانی‌سازی که به دنبال کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری پدید آمده نه تنها میراث و سنت‌ها را از میان می‌برد بلکه ثبات جهانی را نیز تهدید می‌کند

او می‌گوید: جهانی‌سازی به دنبال یک سری بحران‌ها پدید می‌آید و به نظر من تا پایان این عصر ما مزه آن را به خوبی چشیده‌ایم

محبوبیت آثار نوشتاری معمولاً متناسب با زمانه دستخوش تغییر می‌شود و شاید این نکته مثبتی باشد که می‌بینیم همیشه موفقیت و فروش آثار مکتوب محصول تبلیغات و روش‌های بازاریابی حیل‌گرانه نیست. مسلماً اگر کارل مارکس زنده بود، از موفقیت آثار خود تحت تأثیر گسترش یک بحران اقتصادی در نظام سرمایه‌داری بسیار خوشنود می‌شد

در ماه‌های اخیر، تعداد بیشتری از شخصیت‌های آلمانی، خود را علاقه‌مند یا پیرو دیدگاه‌های کارل مارکس معرفی می‌کنند؛ حداقل آن بخش از دیدگاه‌های این فیلسوف قرن نوزدهم که معتقد بود سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم افراطی به

خاطر طمع شدید و ذاتی‌اش، سرانجام، خود را نابود خواهد کرد

چندی پیش اسکار لافونتن از سیاستمداران چپ‌گرا و رهبر حزب چپ المان اعلام کرد بخشی از فرضیه‌های کارل مارکس را در برنامه‌های این حزب خواهد گنجاند و بر این مبنا طرفدار ملی کردن بخش‌های مالی و انرژی در المان است.

به دنبال این اظهار نظر مطبوعات عامه‌پسند و حامی جناح راست المان از جمله بیلد به او حمله کردند. این مطبوعات نوشتند که لافونتن عقل خود را از دست داده و یک چپ‌گرای دیوانه است. اما حتی به تازگی، پیر اشتاینبروک، وزیر اقتصاد المان که بدون تردید تحت تأثیر بحران اقتصادی اخیر خواب و خوراک ندارد، اعلام کرد که طرفدار برخی از دیدگاه‌های کارل مارکس است. او در مصاحبه‌ای با مجله المانی اشپیگل گفت: «به‌طور کلی، باید اذعان کرد بخش‌های معینی از فرضیه‌های کارل مارکس چندان هم بد نیستند.» و بالاخره برای کتابخوان‌هایی که هنوز به مرحله علاقه‌مندی به فرضیه‌ها و دیدگاه‌های سیاسی کارل مارکس نرسیده‌اند، مکاتبات وی به دوست و همفکرش؛ فردریش انگلس، همزمان با یکی از بحران‌های اقتصادی قرن نوزدهم آمریکا می‌تواند کتابی سرگرم‌کننده و جالب باشد.

مارکس در یکی از این نامه‌ها در سال ۱۸۵۷ میلادی، در کمال اعتماد به نفس، سقوط کامل بازار مالی آمریکا – وال استریت – را پیش‌بینی کرد و خطاب به انگلس نوشت: «بحران و سقوط مالی در آمریکا، مایه بسی مسرت است. این بحران به این زودی‌ها به پایان نخواهد رسید.»

کارل هاینریش مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان و اقتصاددان المانی و از تأثیرگذارترین اندیشمندان تمام اعصار است. او به همراه فردریش انگلس، مانیفست کمونیست، مشهورترین رساله تاریخ جنبش‌های سوسیالیستی را تألیف کرد

«سرمایه» مهم‌ترین کتاب این جنبش به همراه سایر تألیفات مارکس و انگلس، بنیان و جوهره اصلی تفکر مارکسیسم را تشکیل می‌دهد. «تاریخ همه جوامع تاکنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است.» از جمله مشهورترین جملات مارکس درباره تاریخ است که در خط اول مانیفست کمونیست خلاصه شده است.

او مبارزه عملی سیاسی و فلسفی را به همراه رفیقش، فردریک انگلس، آغاز کرد و با او بود که یک سال پیش از انقلاب ۱۸۴۸ بیانیه کمونیست را به رشته تحریر در آورد. مارکس در این سال‌ها با محیط دانشگاهی و ایده‌آلیسم المانی و هگلی‌های جوان قطع رابطه کرد و به مسائل جنبش کارگری اروپا پرداخت و از ابتداء در بین‌الملل اول که در ۱۸۶۴ تأسیس شد، نقش بازی کرد و نهایتاً دبیر این انجمن شد

او اولین جلد کتاب مشهورش را، سرمایه، در ۱۸۶۷ منتشر کرد. این کتاب حاوی نظریات او در نقد اقتصاد سیاسی است. کتاب سرمایه پس از ۱۸ سال کار و کوشش مارکس که همراه با گرسنگی و محرومیت بود در اواخر سال ۱۸۶۶ پایان یافت. متن آن المانی بود تا این که در سال ۱۸۷۲ به زبان روسی و در سال ۱۸۹۷ به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ و منتشر شد

نظریه مارکس بر آن بود که تولد يك شیوه تولید کاپیتالیستی اقتصاد بین‌المللی جهانی‌شده در پیش است. او پیش‌بینی می‌کرد که این روند نه تنها رشد و رفاهی که نظریه‌پردازان لیبرال و سیاستمداران به آن افتخار می‌کنند به همراه نخواهد آورد بلکه همچنین جنگ‌های عظیم و بحران‌های اقتصادی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی گسترده با خود خواهد داشت.

در جهان سرمایه‌داری بی‌شک علاقه عمومی به مارکس دوباره زنده شده است. حتی اگر احتمالاً این علاقه هنوز در

میان کشورهای جدید عضو اتحادیه اروپا یعنی کشورهای اروپای شرقی دیده نشود. این دوباره زنده شدن به احتمال قوی با این واقعیت شدت گرفت که صد و پنجاهمین سالگرد علنی شدن مانیفست حزب کمونیست در سال ۱۹۹۸ با یک بحران غمناک اقتصادی خاص در میان يك دوره بسیار سریع جهانی سازی بازارهای آزاد همراه بود.

مارکس طبیعت اقتصاد اوایل قرن بیستم را ۱۵۰ سال قبل بر بستر بررسی هایش درباره جامعه بورژوازی پیش بینی کرده بود. این اصلاً غیرمنتظره نیست که سرمایه داران هوشیار به خصوص در بخش مالی جهانی شده از آنجا که ضرورتاً به طبیعت و بی ثباتی های اقتصاد سرمایه داری که در آن کار می کنند آگاهتر از دیگرانند، تحت تأثیر مارکس قرار گرفته باشند.

مارکس تنها میان سرمایه داران محبوب نبود. در یک نظرخواهی از شنوندگان رادیو بی.بی.سی انگلستان در سال ۲۰۰۵، کارل مارکس به عنوان بزرگترین متفکر هزاره دوم انتخاب شد.

پیشتر در آغاز هزاره جدید کاری مشابه توسط وبسایت انگلیسی زبان بی.بی.سی انجام گرفته بود که ۲ میلیون نفر از مردم کشورهای گوناگون از سرتاسر جهان در این نظرخواهی شرکت کردند. از نظر شرکت کنندگان از میان اندیشمندان هزاره، کارل مارکس مقام نخست را یافت و آلبرت اینشتین و آیزاک نیوتون با فاصله ای بسیار از او به عنوان نفر دوم و سوم انتخاب شدند.

در خبری دیگر در همین ارتباط، روزنامه دی ولت، از ساخت فلمی بر اساس سرمایه، اثر اصلی کارل مارکس، خبر می دهد. بر اساس این گزارش، الکساندر کلوگه، حقوق دان، فیلم ساز و نویسنده آلمانی، در نظر دارد این طرح را عملی کند.

دی ولت نوشت: «به سختی می توان تصور کرد که بتوان از کتاب سرمایه فلمی ساخت، اما اکنون الکساندر کلوگه با در دست گرفتن چنین طرحی، کاری را در پیش گرفته است که هشتاد سال پیش فیلم ساز بزرگ روس؛ سرگئی آیزنشتاین، فکر آن را هم نمی کرد

منبع: روزنامه گاردین

برگرفته از: دنیای اقتصاد

یادداشت:

* - توضیح زیاد لازم ندارد گفته شود که از دید ما نه تنها شوروی حین سقوط "دژ بزرگ اقتصاد سوسیالیستی" نبوده بلکه نقطه مقابل آن، یعنی کاملترین شکل اقتصاد "سرمایه داری انحصاری دولتی" بوده است.

اداره پورتال AA-AA